

مکاتبات

سلطان حسین تابنده و حجت الاسلام مردانی

اشاره

هیچ کس نمی تواند نقش و تأثیر تصوف را در گسترش اسلام و بسط معنویت نادیده بگیرد. با این همه، همواره این رویکرد و این نحوه سلوک بحث ها و چالش های بسیاری را برانگیخته است. آن نقش آفرینی و این بحث انگیزی ما را بر آن می دارد که این قلمرو را نه یکسره فروگذاریم و نه یکسره پذیرا شویم.

به تازگی و به لطف حجت الاسلام والمسلمین علی مردانی، مکاتباتی که سال ها پیش میان ایشان و جناب رضاعلی شاه قطب الاقطاب نعمت اللهیان گنابادی^۱ صورت گرفته و جایگاه و نقش تصوف را به بحث گذاشته است در اختیار هفت آسمان قرار گرفت.

۱. سلسله نعمت اللهی گنابادی، که امروزه شعب و فرقه های مختلفی دارد، به نعمت الله ولی منسوب است. نعمت الله ولی بن عبدالله محمد بن عبدالله بن کمال الدین حلبی کوهستانی کرمانی، ملقب به نورالدین و متخلص به سید و معروف به شاه نعمت الله ولی (۷۳۰ یا ۷۳۱ تا ۸۴۳) از اعظم عرفای قرن هشتم هجری است. جناب آقای سلطان حسین تابنده (رضاعلی شاه) سال ها سرسلسله سالکان طریقت مرزویه و فقرای نعمت اللهی گنابادی - یکی از ده ها فرقه منسوب به شاه نعمت الله ولی - بودند که در تاریخ ۱۳۷۱/۶/۱۸ دارفانی را وداع گفتند و سرپرستی فقرای نعمت اللهی و رعایت طریقتی ایشان به فرزندشان جناب آقای حاج علی تابنده (محبوب علی شاه) رسید و جناب محبوب علی شاه بعد از حدود چهار سال مسئولیت هدایت طالبان نعمت اللهی، در ۷۵/۱۰/۲۷ خلع لباس جسمانی کرد و جانشین ایشان بنا به نص صریح، عمشان جناب آقای حاج نورعلی تابنده (مجدوب علی شاه) شدند و اکنون مقام قطبیت و ارشاد سلسله نعمت اللهی گنابادی را به عهده دارند (رک: خورشید تابنده در شرح احوال حاج سلطان حسین تابنده گنابادی، تألیف حاج علی گنابادی؛ و لغت نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۲۶۰۶).

این مکاتبات که می‌توان آنها را به مناظره‌ای مکتوب تشبیه کرد، اگرچه به فرجامی مشخص نمی‌رسد، اما نکات جالب و قابل استفاده‌ای برای علاقه‌مندان به مباحث تصوف به دست می‌دهد. در این نامه‌ها دوطرف با رعایت جانب احترام و ادب مسائل را پی‌گیری می‌کنند، اما پس از نامه هشتم مردانی، رضا علی‌شاه این نامه را آمیخته به توهین تلقی کرده، دیگر به نامه نهم مردانی پاسخی نمی‌دهد. اولین نامه مردانی در تاریخ ۶۹/۲/۲۲ و آخرین نامه وی که بی‌پاسخ مانده در مورخه ۶۹/۵/۲۲ نوشته شده است.

از آن‌جا که نقل تمام نامه‌ها در حوصله این فصل نامه نمی‌گنجد و نیز نقل برخی از مطالب آمده در این نامه‌ها چندان موجه به نظر نمی‌رسد، بر آن شدیم تا خلاصه‌ای از مباحث مطرح شده را با رعایت امانت و با تأکید بر نکات قابل توجه منتشر سازیم. با سپاس از گروه تصوف مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب و جناب آقای امیر جوان که فراهم آمدن این اثر ناشی از همت و تلاش آنان است، توجه خوانندگان محترم را به خلاصه مکاتبات رضاعلی‌شاه و علی مردانی جلب می‌کنیم.

اذکار صوفیان

در اولین سؤال، مردانی به دنبال مبنای روایی افتراق شریعت و طریقت است، روایاتی که از نظر سند و متن قابل اعتماد باشند. رضا علی‌شاه در پاسخ می‌گوید: شریعت و طریقت دو بال سالک‌اند. ظاهر بدون باطن فایده‌ای ندارد و ائمه سرچشمه هر دو اند. مردانی این پاسخ را دقیق ندانسته، جوای مستند شرعی اصحاب طریقت می‌شود. رضا علی‌شاه در پاسخ، به آیه «و اذکر ربک فی نفسک تضرعاً و خفیة» و آیه «رجال لاثلهیهم تجارة و لایبع عن ذکر الله» استناد می‌کند و می‌گوید: مراد از این ذکر، ذکر قلبی است. اخبار اصول کافی و دیگر صحاح شیعه هم مؤید این نوع ذکرند. در پاسخ، مردانی معانی متعددی را برای ذکر برمی‌شمرد و پس از نقل اقوالی می‌گوید: آنچه سلسله‌های صوفی آن را ذکر خفی می‌نامند، مبنای استواری ندارد. منظور از تضرع و خفیة آن است که دل با زبان همراه باشد، یعنی روح دعا در جان فرد منعکس شود. آدمی اگر به متون اسلامی توجه کند راه رشد را می‌یابد و نیازی به اذکار غیرمأثور ندارد. ارشاد حقیقی از آن تقلین است و ارشاد

دیگران در محدوده امر به معروف و نهی از منکر است. تشریح هم مختص شارع است و اکمال دین در زمان پیامبر هم به همین معناست. پس چرا شما اذکاری مخصوص را به مریدان تعلیم می دهید؟

رضا علی شاه در جواب نامه سوم بر مسئله ذکر خفی تأکید می کند و می گوید: این کلمه در مورد یاد قلبی، حقیقت و در غیر آن، مجاز است. وی با استناد به «و اَرنسنا بالذکر الخفی» که فرازی از مناجات خمسه عشر است، می گوید: این اذکار رایج، اذکاری هستند که در حال مناجات و توسل بر زبان بزرگان دین جاری شده اند و ما هم تیمناً از آنها استفاده می کنیم و بدعتی در آنها نیست. مردانی در نامه چهارم می پرسند: به چه دلیل کاربرد کلمه ذکر در ذکر زبانی، مجازی است و شما چگونه می گوید که ما اسمای حسناى الهی را تعلیم می دهیم؟ شما که معصوم نیستید؛ چرا همان اذکار ائمه را تعلیم نمی دهید؟ آیا صحیفه سجاده برای کامل شدن انسان، کافی نیست؟ رضا علی شاه در پاسخ می گوید: نیازی به استدلال نیست. محاورات مردم مؤید آن است که لفظ ذکر در معنای ذکر زبانی مجاز است. از حضرت حق نیز می توان با نام های مختلف یاد کرد. ما مدعی احاطه داشتن نیستیم، بلکه این قطره ای از دریای ائمه است. ادعیه ای که به دیگران می دهیم از مشکات نور الهی بزرگان و از قلب آنان تراوش کرده است و اگر چنین نباشد هیچ اثری بر آن مترتب نمی شود.

تصوف و تشیع

دومین مسئله ای که می توان سیر آن را در این نامه ها دنبال کرد، رابطه صوفیه با تسنن و تشیع و نیز ربط و نسبت تصوف و عرفان است.

مردانی در نامه اول می گوید: عارف کسی است که در حصن حصین الهی راه یافته باشد و تنها پیروان فرقه ناجیه به عرفان حقیقی راهی دارند. وی با استناد به منابع متعددی نتیجه می گیرد که بیشتر صوفیان از اهل سنت بوده اند، و می نویسد: اگر سلسله شما شیعه هستند چرا در میان آنان و در سلسله اقطاب آن، افرادی از اهل سنت وجود دارند؟

رضا علی شاه در پاسخ می گوید: ما اثنا عشری هستیم و انتظار ظهور افتخار ماست. عارف در ابتدا باید دامن ولایت را بگیرد. ما ولایت ائمه و حتی ولایت فقیه را قبول

داریم. آقای مردانی در نامه دوم می‌گوید: شما به پرسش من پاسخی ندادید. رضا علی‌شاه می‌گوید: سلسله اولیا به معنای اثبات حقانیت و صحّت عقاید همه آنها نیست. این سلسله فقط جنبه تاریخی مسئله را نشان می‌دهد. در بسیاری از کتب دیگر هم قضیه بر همین منوال است.

در این میان، مردانی به کتبی اشاره می‌کند که در ذمّ صوفیه نوشته شده است. در پاسخ، رضا علی‌شاه می‌گوید: در مقابل، کتبی هم در مدح صوفیه نوشته شده است، مثل غوالی اللثالی، و بزرگانی مثل ابن فهد حلی، شهید اول، شهید ثانی، شیخ بهایی، مجلسی اول و بحرالعلوم اهل تصوف بوده‌اند. در نامه بعد، مردانی به طور مشخص به کتاب‌هایی که در مذمت صوفیه نوشته شده، همانند اثنا عشریة شیخ حر عاملی، حدیقة الشیعة مقدس اردبیلی و... اشاره و سپس تصریح می‌کند که ابن ابی‌الجمهور احسائی صاحب غوالی اللثالی در عین آن‌که بزرگوار و پاک‌دل است، تمامی سخنانش مورد تأیید نیست. در گفته‌های شیخ یوسف بحرانی و مرحوم مجلسی شواهدی وجود دارد که همین نکته را می‌رساند.

در ادامه، مردانی یادآور می‌شود که «رَبِّ شَهْرَةَ لِأَصْلِ لَهَا»؛ بزرگانی مثل آقا محمدرضا قمشه‌ای، میرزا جواد ملکی تبریزی، علامه طباطبایی و امام خمینی (ره) عارف و در عین حال، مجتهدانی عالی‌مقام بودند، اما از کسی خرقه نگرفتند و به کسی خرقه نپوشاندند و هرگز دم از تصوف نزدند. اینان قطب حقیقی را خلیفة‌الله منصوص از جانب خدا می‌دانستند. در جواب نامه سوم، رضا علی‌شاه تصوف و عرفان را تفکیک‌ناپذیر و عرفان را مرتبه‌عالیه تصوف می‌داند و می‌گوید: بین تصوف و عرفان رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است.

صوفیان حقیقی

در نامه سوم، مردانی به نقل از سفینه البحار، روایت امام هادی (ع) را نقل می‌کند که: «الصوفیة کلهم اعدائنا»؛ و می‌گوید این روایت عام است و دلیلی ندارد که شما صوفیه مذموم را صوفیه اهل سنت بدانید. رضا علی‌شاه می‌گوید: منظور از این روایت، صوفیه اهل سنت هستند؛ زیرا امام هرگز از دوستان خود این‌گونه نام نمی‌برد. آنچه در مدح تصوف است به صوفیه شیعه مرتبط است و آنچه در ذم آن آمده است به متشبهان به

صوفیه نظر دارد. مردانی می‌گویند روایت به تمام صوفیه نظر دارد، چون راوی سؤال می‌کند: «وان کان معترفاً بحقوکم» و حضرت جواب می‌فرماید: «دع ذاک؛ من اعترف بحقونا لم یذهب فی عقوقنا»: [این را واگذار؛ هرکس به حقوق ما آشنا و معترف باشد هرگز مورد نفرین ما قرار نمی‌گیرد]. رضاعلی شاه جواب می‌دهد که این عبارت تصریح دارد که صوفیه شیعه دوستدار اهل بیت‌اند، و مورد عقوق ائمه نیستند. چگونه بعضی به خود جرئت می‌دهند کسانی را که دم از محبت اهل بیت می‌زنند مورد لعن و طرد ائمه بدانند؟ صوفیه شیعه کاملاً در خط پیروی از ائمه و مورد لطف ایشان بوده‌اند. کسی که آنان را مذموم بداند برخلاف فرمایش امامان رفتار کرده است. مردانی می‌گویند: هرکس که از محبت علی دم بزند که شیعه نیست! محبت تنها، دلیل شیعه بودن نیست. فرقه‌ای که گوینده شهادت سه گانه و عامل به احکام شریعت مطهر و مقید به اجرای بعضی سنن و قائل به وجود امام زمان (عج) است، چه مانعی دارد که لفظ تصوف را کنار بزند و از کلمه مقدس تشیع استفاده کند، کلمه‌ای که در زبان مبارک رسول اکرم (ص) به پیروان امیر مؤمنان اطلاق شده است. رضا علی شاه در جواب نامه ششم می‌گوید: تصوف با تشیع یکی است و لامشاحه فی الاصطلاح: [در نام و اصطلاح، نزاع روا نیست] و ممکن است اصطلاحی مثل اجتهاد بعد از عصر ائمه رایج شده باشد اما استفاده از آن اشکالی نداشته باشد.

اتصال به امام معصوم

آخرین مطلب درخور توجهی که در این مباحث دنبال شده است، مسئله اجازات سلسله نعمت‌اللهمی گنابادی و انتساب آنان به امام معصوم است.

مردانی در نامه ششم از رضاعلی شاه درخواست می‌کنند که نام افرادی را که به واسطه آنان سلسله نعمت‌اللهمی گنابادی به معصوم منتهی می‌شود، ذکر کند. رضاعلی شاه جواب می‌دهد که سلسله ما تا زمان آغاز غیبت مضبوط است. مردانی می‌گویند: شما پیش‌تر این سلسله را که بعضی از افراد آن سنی هستند، اشاره‌ای به جنبه تاریخی مسئله دانستید اما در این جا به آن ارجاع می‌دهید. مرحوم جدتان [سعادت علی شاه] سلسله را از طریق جنید به شیخ سرّ سقطی و سپس معروف و از طریق او به امام رضا می‌رساند. سؤال این است که معروف کرخی با آنکه دو سال قبل از امام رضا (ع)

از دنیا رفته، چگونه خلیفه او بوده است؟ چگونه امام رضا(ع) خرقة و ولایت را به معروف می‌دهد، در حالی که امام منصوب از جانب خدا، امام جواد(ع)، در حیات است؟

رضا علی شاه پاسخ می‌دهد: معروف کرخی از دربان‌های امام رضا بود و اجازه ایشان از حضرت رضا(ع) بود. ما معروف را جانشین حضرت رضا نمی‌دانیم. سری سقطی هم تربیت شده معروف، و جنید هم تربیت شده سری سقطی بود، و تمامی مطیع امام زمان خود بودند. جنید از پیروان امام عسکری(ع) و بعد امام زمان(ع) بود. از این رو ما افتخار می‌کنیم که اثناعشری هستیم. مردانی می‌گویند: دربان بودن معروف کرخی مشکوک است. جامی در نفحات، پدر معروف را دربان امام دانسته است. اگر می‌گویند که او تربیت شده امام بوده است پس چرا سری سقطی تربیت‌کننده‌ای مثل امام را رها می‌کند و به سراغ کرخی محتاج به کمال می‌رود و همین‌طور است در مورد جنید. آیا از ائمه درباره جنید مدحی رسیده است؟ آیا آنان از امام جواد(ع) به رموز تربیت آگاه‌تر بوده‌اند؟ آیا بی‌ادبی نیست که امام منصوب رها و به غیر او مراجعه شود؟

علاوه بر این، مذهب افرادی مثل کرخی، سری، جنید، ابوسعید، حلاج و بایزید تحقیقاً روشن نیست. برخی مثل آیت‌الله مرعشی و آقای عمید زنجانی آنان را سنی می‌دانند. در خصوص شاه نعمت‌الله نیز عده‌ای ولی بودن او را منکرند و او را سنی می‌دانند. این اشکال به اقطاب بعد از شاه نعمت‌الله نیز وارد است. رضا علی شاه در جواب نامه هشتم می‌گوید: در مورد سری و جنید و... تربیت اولیه به دست ایشان بوده؛ مثل طلبه که مقدمات را نزد بعضی از تلامذه می‌خواند و بعد به محضر علما وارد می‌شود. شاه نعمت‌الله نیز در تشیع متعصب بوده است. ایشان برای خود و پیروانش کلاه دوازده‌تَرک قرار داده بود. اشعاری هم در تصریح به تشیع دارد. کسی که گفته سنی است خواسته اظهار فضلی بکند، مثل مسیحیانی که در مورد پیامبر اسلام کتاب می‌نویسند. ما چندین برابر کتابهایی که در ذم شاه نعمت‌الله است در مدح او کتاب داریم. در پایان جواب نامه هشتم، رضا علی شاه می‌نویسد: مرقومات شما پیش‌تر ملاحظت را ابراز می‌داشت. اما این مرقومه هم تقریباً مغرضانه بود و هم موهن. بعد از این اگر منظورتان درک مطلب است، به کتب بزرگان ما مراجعه کنید. متأسفانه این بحث به فرجام مشخصی نمی‌رسد و رضا علی شاه نامه نهم مردانی را دیگر پاسخ نمی‌گوید.

۱۴۱۰
۲۵ ذی الحجه الحرام
۱۳۶۹ / ۴ / ۲۷

هوا
۱۴۱

عقل مشهور کتب لطیف است و همه یاد ادری سرکار موجب امتنان است موضوع در حاشیه قیلام عرض
 شده که همه آنها چنین نیستند و با ماعدت نمانند بلکه بسیاری از آنان که مطلع بر حقائق هستند و عقائد ما را مانده
 حضرت عالی در گذشته اند که کجده عین دستورات شریعت مملکت اسلام و نه در حق تنسیح اشیاء مشرک است نهایت لطیف
 و محبت دارند. نام صوفی هم که ما برای خود گزارده ایم با کلمه تنسیح یکی میسرانم و لا شاکه فی الاصطلاح چنانکه کلمه
 اجتهاد که در زمان ائمه علمای اسلام برابر علمای شیعه مسمول نموده اند تنسیح اصطلاح بود. و در اصطلاح مجتهدین اصطلاح علمای اهل سنت
 و مسمول است هیچ اشکالی ندارد و همان برده عرفان آن است. اعتقادات باطل هم که ایشان در گذشته مانده از نظر
 الحاقین بطلان شرع و عقائد باطله حلل و آثار و در حال آنکه در سلسله مانیست و باطل است و از آنها نیز در مجتهدین
 و تنسیح و برده چنانچه در متن و آنکه مضمون علمای اهل سنت در راه دور رسالرضیه است نزد گزارده ایم
 و وضعی که در آخر نامه مرقوم شده با کلمه تنسیح که در میان ما در راه مانی اجازت و الا لازم نیست
 و سلسله اجازت را مضبوط از اهل غیبت بدانیم و سایر سلسله مستقیم بنده اجازت هستند و فرای کمال شده و در این
 حالات نیز کافی میدانند. سلسله اجازت ما هم حضرت صاحبم علی السلام بر سر شده و در کتب و در سلسله اجازت
 ذکر شده و باید کتب مراجع فرمایند و السلام علیکم ورحمة الله و بركاته

امیر

۵ ذی الحجه الحرام ۱۴۱۰
۱۹/۴/۷

۱۱

عرض شود در وقت که در آنجا می باشد که باید ملاحظه فرمایید که این کتاب در حدیث است و در حدیث
افزودن بر حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است
فصلی در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است
سابق است بلاق با حضور همی که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است

صورت که در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است
حقیقت است از آنکه در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است
در جامع الامم و الصحیحین و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است
خواهم صحت تمام مسلم روایات در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است
و تفحص با این نظر که در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است
مورد اقرار هم می باشد در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است
صدور از آنکه در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است
تقریباً علی علیه السلام در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است
است نیز که در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است
بانی نظر نه پس با علامه نیز در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است و در حدیث معتبره که در این کتاب است

در اسلام علی علیه السلام در حدیث معتبره که در این کتاب است

خبر رسیده

در پی انتشار مصاحبه فصل‌نامه هفت آسمان با آیت‌الله واعظزاده خراسانی درباره موضوع مهم و مغفول مانده تقریب مذاهب اسلامی نقدهایی چند به دفتر فصل‌نامه واصل شد. با سپاس از عزیزانی که این موضوع را مهم و شایسته پیگیری دانستند و نقدهای خود را در اختیار این فصل‌نامه قرار دادند، کاری که نشانه وجود دغدغه‌های دینی و علمی قوی در میان صاحبان قلم و اندیشه است، چهار نقد سیده را در معرض نظر پژوهشگران این قلمرو قرار می‌دهیم. نیاز به تأکید ندارد که این فصل‌نامه با اشتیاق تمام از پاسخ‌های جناب استاد واعظزاده و نیز دیدگاه‌های موافق و مخالف دیگر اندیشمندان محترم استقبال می‌کند و در نشر آنها جز رعایت جانب علم و اخلاق محدودیتی را اعمال نخواهد کرد.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی